



Rereading the Validity and Guarantee of the Condition of non-Remarriage in urisprudence Law and Psychology

Mahdi Mollaei¹

:DOI

10.30497/FLJ.2024.244922.1933



Abstract

Remarriage has been approved in Iran's jurisprudence and legal system, but its acceptance in the psychological system of Iranian women's society has faced doubts and created many challenges. Undoubtedly, failure to solve the mentioned challenges has created personal, social, cultural, and economic consequences. This has encouraged the wife to benefit to the condition of not remarrying in the marriage document. Despite this, the validity of the mentioned condition has been damaged and there is a difference of opinion regarding the implementation guarantee of the violation of the condition. The author of this research believes that the mentioned condition is correct in certain circumstances. The dimensions of psychology and the principle of fairness prove that in the same way that the husband has the right to remarry, the wife also has the authority to limit the remarriage of the husband by using the mentioned condition in the correct legal form. The main root of the disputes is the lack of correct methodology and the lack of guarantee of implementation of the violation of the condition of abandoning the legal act in the country's laws. What is important is to explain the desired performance guarantee in a suitable way in such a way that the rights of all parties are preserved. According to the findings of the present research, it seems that considering the many dimensions of the marriage contract, the interdisciplinary methodology is preferable and based on the legal point of view, if the husband violates from the condition, the second marriage of first wife is invalid and cannot be invoked and it is necessary to amend the existing laws.

Keywords: remarriage, law, condition, psychology, implementation guarantee, jurisprudence.

1. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Management and Industries, Shahrud University of Technology, Shahrud, Iran. Mahdi.Mollaie@shahroodut.ac.ir

بازخوانی اعتبار و تضمین شرط عدم ازدواج مجدد در فقه و حقوق و روان‌شناسی

مهدی ملانی^۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

DOI: 10.30497/FLJ.2024.244922.1933

چکیده

ازدواج مجدد در نظام فقهی و حقوقی ایران با حصول شرایطی تأیید شده است؛ اما پذیرش آن در نظام روان‌شناسی جامعه بانوان ایرانی با تردیدها و مسائلی روبه‌رو است و عدم حل مسائل یاد شده تبعات فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایجاد کرده است. این امر زوجه را ترغیب کرده است تا به شرط عدم ازدواج مجدد در سند نکاح تمسک جوید. با وجود این به اعتبار شرط مزبور خدشه وارد شده است و در خصوص ضمانت اجرای تخلف از شرط نیز اختلاف نظر وجود دارد. نگارنده معتقد است شرط مزبور با اجتماع شرایطی صحیح است و ابعاد روان‌شناسی و اصل انصاف مبرهن می‌سازد به همان ترتیبی که زوج حق ازدواج مجدد دارد، زوجه نیز صلاحیت دارد تا باتوسل به شرط مزبور در قالبی صحیح، ازدواج مجدد زوج را محدود سازد. ریشه اصلی اختلافات به فقدان روش‌شناسی صحیح و عدم ضمانت اجرای تخلف از شرط ترک فعل حقوقی در قوانین کشور برمی‌گردد. آنچه اهمیت دارد تبیین ضمانت‌اجرائی مطلوب و باروشی مناسب است به نحوی که حقوق همه اطراف حفظ شود. طبق یافته‌های پژوهش حاضر به نظر می‌رسد با توجه به ابعاد متعدد عقد نکاح، روش‌شناسی میان‌رشته‌ای مرجح، و از نظر حقوقی در صورت تخلف زوج از شرط، عقد دوم نسبت به زوج اول، غیر نافذ و غیر قابل استناد، و اصلاح قوانین موجود ضروری است.

کلیدواژه‌ها: ازدواج مجدد، حقوق خانواده، روان‌شناسی خانواده، شرط عدم ازدواج مجدد، ضمانت اجرای ازدواج مجدد.

مقدمه

مرسوم است مردان و زنان به ازدواج تک‌همسری مبادرت کنند و تا آخر عمر بدان وفادار بمانند. سنت‌هایی مانند چندشوهری و نکاح مشترک فقط بین برخی اقوام ابتدایی مانند ساکنان تبت رایج بوده و به مرور از بین رفته است. باوجوداین، ازدواج مجدد یا چندهمسری، از قدیم وجود داشته، و ادامه یافته است (ابراهیم، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۱-۲۲). از نظر تاریخی چند همسری در دوره‌های پیش از اسلام و در ادیان مختلف وجود داشته (محمود، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۱۴۷)، و این ایده نادرست است که ازدواج مجدد از نوآوری‌های اسلام بوده است (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۰). چندهمسری در جوامع و قومیت‌های مختلف نیز رایج بوده (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۲)، و در ایران باستان اساس خانواده به شمار می‌رفته است؛ لیکن اکثریت مردان فقیر نمی‌توانستند بیش از یک زن اختیار کنند (کریستن‌سن، ۱۳۷۲، ص ۳۲). ازدواج مجدد در میان عرب جاهلیت نیز بدون حد و حصر وجود داشته است (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۳۴). باوجود این، در عصر حاضر و در جامعه ایرانی، ازدواج مجدد مسائل و مباحث متعددی را در سطوح مختلف ایجاد کرده است. بدیهی است خانواده رکن اساسی هر جامعه است و چنانچه مسائل یادشده به‌خوبی تبیین و مدیریت نشود، مشکلات عدیده اجتماعی، روانی، فرهنگی و اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. این امر فقها، حقوق‌دانان و روان‌شناسان را بر آن داشته نظریات مختلفی را نفیاً یا اثباتاً در مقوله تک‌همسری و ابزارهای کنترل آن مطرح سازند. عدم رعایت اصل تساوی حقوق زن و مرد، ایجاد مشکلات روانی و فرهنگی و اقتصادی برای زنان و فرزندان و گسترش شهوت‌پرستی مردان از مهم‌ترین ایرادهای واردشده به ازدواج مجدد از سوی مخالفان چندهمسری است؛ باوجوداین، به اعتقاد شهید مطهری، فراوانی زنان آماده ازدواج در مقایسه با مردان، این حق را برای زن و این تکلیف را برای مرد و اجتماع پدید می‌آورد که با پذیرش ازدواج مجدد این نیاز تأمین شود. (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۳۴). گذشته از آن، به‌زعم موافقان، ممنوعیت ازدواج مجدد موجب گسترش بی‌بندوباری، جرائم، بیماری‌ها و مشکلات دیگر می‌شود (عبدالمحسن، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۰۹-۱۲۳). به عقیده این گروه، هرچند از دیدگاه اسلام اصل بر تک‌همسری است، وانگهی ضمن نکوهش هوس‌رانی، ضرورت‌های

اجتماعی را نباید انکار کرد (صلاح، ۱۹۹۸، م، ج ۳، ص ۱۳۱؛ طباطبائی، ۱۴۲۳، ق، ج ۱، ص ۶۲). آنچه در اینجا اهمیت دارد حفظ تعادل میان دو دیدگاه موافق و مخالف است و ترجیح یکی از آن‌ها بر دیگری نباید نافی مصالح دیدگاه دیگر باشد (شاکری گلپایگانی و مؤمن، ۱۴۰۱، ش، ص ۵).

بیان مسئله و سؤالات تحقیق

مخالفان چندهمسری با بهره‌گیری از ابزار حقوقی شروط ضمن عقد، حق مردان را در ازدواج مجدد در سند نکاح محدود می‌سازند؛ باوجوداین، گاه مردان از شرط مزبور تخلف می‌کنند. در اینجا چند سؤال اساسی مطرح می‌شود: ماهیت شرط عدم ازدواج مجدد چیست؟ آثار و مبانی روان‌شناسی شرط مذکور چیست؟ آیا شرط مذکور از نظر فقهی و حقوقی صحیح است؟ در صورت تخلف از شرط مزبور، چه ضمانت‌اجرایی در حقوق ایران و دیگرکشورها وجود دارد؟

یافته‌های تحقیق

طبق یافته‌های این پژوهش در اسلام اصل بر تک‌همسری است و ازدواج مجدد مشروط به شرایط دشواری شده، و رسم اعراب قدیم در تعدد زوجات به‌مرور محدود و اصلاح شده است. ازمنظر علم روان‌شناسی آگاهی از شرط و وجود آن در اسناد نکاح، آثار مفید و متعدد روان‌شناسی دارد. در صحت شرط عدم ازدواج مجدد تردید شده، لیکن به نظر می‌رسد شرط مذکور با اجتماع شرایطی صحیح است و تخلف از شرط، زوج را با ضمانت‌اجرای قراردادی یا قانونی مواجه می‌کند. مطابق نظریه‌نگارنده که برای نخستین‌بار مطرح می‌شود، در صورت تخلف زوج اقدام به ازدواج مجدد، ازدواج دوم نسبت به همسر اول، غیرنافذ و غیرقابل استناد است. درخصوص عقد نکاح که مباشرت شرط است و مباحث عاطفی و احساسی آن بر مباحث حقوقی آن غلبه دارد، قضات باید تفسیری شخصی از هر پرونده داشته باشند نه تفسیر نوعی. طبیعت ازدواج از چنان خصوصیتی برخوردار است که تنها ضمانت‌اجرای حقوقی ندارد و صرف ضمانت‌اجرای حقوقی مطلوب هم نیست و در کنار آن ضمانت‌های اجتماعی و روان‌شناختی هم وجود دارد. قوانین موجود درخصوص ازدواج مجدد و ضمانت‌اجرای آن

نواقصی دارد و شایسته است اصلاح یا تکمیل شود. در بازنگری قانون باید مسائل اجتماعی و عاطفی و روان‌شناسی ازدواج به دقت در نظر گرفته شود.

از منظر سابقه پژوهش تا جایی که نگارنده تفحص کرده، در خصوص مسئله یادشده تاکنون نگاه میان‌رشته‌ای به نحوی که ابعاد مهم فقهی و حقوقی و روان‌شناسی مسئله را در کنار هم و به‌طور جامع تبیین کند، انجام نشده، و تحقیقات انجام‌شده صرفاً به صورت تک‌بعدی است و در خصوص ضمانت‌اجرای تخلف از شرط عدم ازدواج مجدد زوج نیز آشفتگی فراوانی در نظام حقوقی ما وجود دارد. نگارنده برای نخستین بار ضمن دسته‌بندی نظرهای مختلف، نظریه‌ای جدید پیشنهاد داده است که از نوآوری‌های مقاله به شمار می‌رود.

روش‌شناسی

نکاح یکی از عقود در نظر گرفته می‌شود، اما حقیقت آن است که نکاح سازمانی بزرگ است که دارای ابعاد مختلف روان‌شناسی، فقهی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، جامعه‌شناسی و فرهنگی است. افزون‌بر آن، در نکاح درباره پدیده‌ای پیچیده به نام انسان بحث شده، و ارتباطات گسترده جهانی و مسائل حقوق بشری بر این پیچیدگی دامن زده است. بر همین اساس روش‌هایی که به صورت تک‌بعدی و محلی به موضوع می‌نگرند، نمی‌توانند به‌طور جامع و مانع شرط عدم ازدواج مجدد در اسناد نکاح و آثار فراوان آن را بررسی کنند. بر این اساس، در پژوهش حاضر از روش میان‌رشته‌ای با نگاه توصیفی تحلیلی استفاده شده و تجربیات علوم و ملل مختلف ارزیابی شده است. گذشته از آن، به منظور آشنایی با ابعاد روان‌شناسی موضوع، جامعه هدف شامل افراد متأهل یا طلاق‌گرفته، انتخاب، و سپس با آن‌ها مصاحبه شده، و نتایج آن در قسمت مبانی روان‌شناسی مقاله آمده است.

۱. مفهوم شرط عدم ازدواج مجدد در اسناد نکاح

به‌طور مرسوم، زوج یا زوجه پس از طلاق یا فوت همسر اول می‌تواند به ازدواج مجدد مبادرت کند. در شرایطی که همسر اول در قید حیات است با رعایت شرایطی امکان ازدواج مجدد تا سه همسر دائم وجود دارد؛ لیکن در حال حاضر در عرف جامعه امروز ایرانی، تمایل چندانی به چندهمسری وجود ندارد و معمولاً در اسناد نکاح شرط عدم ازدواج مجدد ذکر می‌شود. شرط

عدم ازدواج مجدد شرطی است که به موجب آن زوج متعهد می‌شود که یک فعل منفی حقوقی یعنی ترک ازدواج مجدد را در طول زندگی زناشویی یا طبق شرایط توافقی با زوجه به عهده گیرد، خواه عقد نکاح مبتنی بر این شرط باشد (شرط تبانی) یا ضمن عقد مزبور مطرح شود (شرط ضمن عقد) یا شرط فوق بعداً ضمیمه عقد شود (شرط الحاقی). افزون بر آن، قابل تصور است پیش از ازدواج یا حتی بدون عقد نکاح، زنی با مردی شرط کند که وی ازدواج مجدد نکند؛ در این صورت شرط یادشده، شرط ابتدایی عقد نکاح زوج محسوب می‌شود. شرط عدم ازدواج مجدد ممکن است در قالب‌های مختلفی مطرح شود. شرط عدم ازدواج مجدد از نوع شرط فعل منفی حقوقی محسوب می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۹۰، ص ۱۲). به اعتقاد برخی شرط عدم ازدواج مجدد در ازدواج موقت نیز صحیح و الزام‌آور است؛ ولی در صورت تخلف از شرط و ازدواج زوج، برای زوجه حق فسخ نکاح به وجود نمی‌آید (زرین‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۲۶). شرط مزبور مانند دیگر شروط ضمن عقد ممکن است بنابه دلایلی، از قبیل فسخ نکاح (مواد ۱۱۲۱، ۱۱۲۲ و ۱۱۲۸ قانون مدنی)، طلاق، انقضای مدت در ازدواج موقت (ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی)، اقاله شرط توسط طرفین (ماده ۲۸۳ قانون مدنی)، اسقاط شرط (ماده ۲۴۴ قانون مدنی)، بطلان عقد نکاح، انقضای مدت شرط، عدم رعایت شرط متقابل از سوی زوجه و فوت طرفین نکاح، ساقط شود و کارایی خود را از دست دهد (شاهینی، ۱۳۹۴، ص ۵۶).

۲. مبانی روان‌شناسی و اجتماعی ازدواج مجدد و شرط عدم ازدواج مجدد

از نظر روان‌شناسی نگرش افراد به مقوله ازدواج مجدد، حکایت از نوع احساسات، نحوه تمایلات، جهت‌گیری‌ها، ترس‌ها، مبادی تصویری و اعتقادات آن‌ها دارد (Memani, 2003, p 210). مطابق پژوهشی در سال ۱۳۹۴، شرط عدم ازدواج مجدد به دنبال تأمین احساس امنیت روانی زوجه و تضمین حقوقی وفاداری شوهر به همسرش است (شاهینی، ۱۳۹۴، ص ۷۸). زوجه با استفاده از این ابزار حقوقی به دنبال اطمینانی قلبی از عدم خیانت همسرش است؛ هرچند در عمل ممکن است زوج ضمن تخلف از شرط، ازدواج مجدد کند. علت گرایش زوجه به شرط مزبور بر طرف کردن نگرانی و اضطرابی است که از آینده زندگی خود دارد. این استرس ناشی از خیانت احتمالی شوهر و تمایل وی به شخص

دیگر است. احساس نگرانی و ناامنی زنان ریشه در ویژگی‌های جسمی و روحی خاص آنان از قبیل عواطف و احساسات دارد (گلی، قاسم‌زاده، فتح بقالی و رمضان مقدم، ۱۳۹۴، ص ۵۶). این نگرانی تا حد زیادی معقول و منطقی است؛ چراکه زوج به مجرد عقد نکاح از کانون گرم خانواده‌پدیری خود فاصله می‌گیرد و خانواده نیز با او همانند شخصی مستقل برخورد می‌کند. پس از نکاح تنها پناهگاه و امید زوج خانه‌همسرش است. بانوان پس از عقد نکاح تمایل کمتری برای بازگشت به خانه‌پدیری دارند و این عدم تمایل از آنجا ناشی می‌شود که قصد دارند در کنار همسر خویش زندگی آرامی را سپری کنند و به آرزوهای خود برسند. حس مالکیتی که زنان به همسر خود دارند بر این نگرانی‌ها دامن می‌زند. به عبارت دیگر، زن‌ها معمولاً تمایل ندارند آرامش خود را در کنار شوهرشان با هم‌نوع خود تقسیم کنند. کمتر زنی حاضر است قبول کند شوهرش زن دومی را اختیار کند. تمام این نگرانی‌ها که منشأ غالب بیماری‌های روانی است، موجب شده است زوج در اقدامی پیشگیرانه، مبادرت به استفاده از ابزارهای حقوقی کند. یکی از این ابزارهای مهم شروط ضمن عقد است. زوج در عقد نکاح با زوج شرط می‌کند که در طول زندگی مشترک از حق ازدواج مجدد خود استفاده نکند. البته بدیهی است که حق مرد در ازدواج مجدد مطلق نیست و تنها با اجتماع شرایطی می‌تواند از این حق استفاده کند. افزون‌براین، طبق اصول حقوقی مرد حق ندارد از حق خود سوءاستفاده کند (اصل ۴۰ قانون اساسی^۱).

ازدواج مجدد ممکن است پس از طلاق یا فوت همسر نخست باشد. چنین ازدواجی در حال مبدل‌شدن به یک هنجار اجتماعی است (رجبی، خشنود، سودانی و خجسته مهر، ۱۳۹۹، ص ۱۲۹). آماده‌سازی و برنامه‌ریزی برای ازدواج دوم بیش از ازدواج نخست است (Garneau, 2015, p 730). انتظارات و توقعات افراد از ازدواج مجدد معمولاً بیشتر است (عبداللهی، عینی پور و سوری، ۱۴۰۰، ش، ص ۲۵۸). مهم‌ترین مشکلات روانی این گروه خاطرات و عواطف منفی ناشی از ازدواج نخست است (Dupuis, 2007, p 91). تجربیات تلخ

۱. هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ای برای تضییع یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

قبلی موجب می‌شود افراد کمتر به همسر دوم خود اعتماد کنند (Sweeney, 2010, p 667)؛
 باین حال اکثر یافته‌های روان‌شناسی نشان می‌دهد در صورتی که زوج یا زوجه فوت کرده
 باشند یا از هم جدا شده باشند، ازدواج مجدد آثار مثبت روانی و عاطفی داشته است (ریاحی،
 وردی نیا و بهرامی، ۱۳۸۶، ص ۳؛ Butler & Chapman & Forman & Beck 2006, p 17؛
 Herbelin & Riquier & Vexo & Thalmann 2002, p27). مطابق این تحقیقات چنین
 ازدواجی موجب بهبود افسردگی شده (Herbert & Rheingold & Gaudiano & Myers, 2004, p 131)،
 و اضطراب را کاهش داده است (Craske, 2005, p 1645). افزون بر آن،
 عملکرد اجتماعی را افزایش داده، و وضعیت جسمانی فرد بهتر شده است (Compton, 2004, p 930).
 مطابق تحقیق اسکسینگر^۱ میزان رضایت از ازدواج دوم ۹۴ درصد بوده است.
 با وجود این برخی از محققان مانند بری^۲ معتقدند ازدواج مجدد زوجین را در مدت شش‌ماه
 دارای احوال منفی و کاهش مهارت در حل مسئله و مشکلات کرده است (قربان شیرودی و
 پورصدیقی، ۱۳۹۰، ص ۳۸). زندگی افرادی که از ازدواج دوم توقع شادی بیشتر داشته‌اند، اما
 موفق نشده‌اند، زودتر از رابطه نخست دچار فروپاشی شده‌اند (Fox WE, 2014, p 276) و ۶۰
 درصد چنین روابطی منتهی به طلاق شده است (Stokes & Adler-Baeder, 2004, p 448)؛
 Wampler 2002, p 91). استرس و مسائل مالی نیز در این طلاق‌ها نقش داشته‌اند (Pasley &
 Koch & Ihinger, 1994, p 63).

اغلب زنانی که با همسر خود زندگی می‌کنند، تمایلی به ازدواج مجدد همسران خود ندارند
 و به هنگام ازدواج، شرط عدم ازدواج مجدد زوج را مطرح می‌کنند. به منظور تبیین تأثیرات روانی
 شرط عدم ازدواج مجدد، در سال ۱۳۹۴ با گروه‌های مختلف افراد جامعه شامل ۱۱۳ نفر مصاحبه
 شده است (شاهینی، ۱۳۹۴، ص ۷۸). جامعه آماری شامل دو گروه افراد متأهل و افراد
 طلاق گرفته یا در آستانه طلاق است. در تحلیل مزبور میزان علم به شرط عدم ازدواج مجدد و

1. S. Kissinger
 2. Barry

آثار روان‌شناختی شرط مذکور بررسی شده است. آزمون «خیدو»^۱ روشن کرد که میان افراد مختلف در میزان علمشان درباره شرط مذکور تفاوتی وجود نداشته، و ازدواج نیز آن را افزایش نداده است. درحقیقت عدم‌علم به این شرط موجب عدم تحقق آثار مطلوب فقهی و روان‌شناسی و حقوقی آن می‌شود. طبق یافته‌های روان‌شناسی آگاهی از یک موضوع و علم کامل درباره آن، بر رفتار اشخاص تأثیر می‌گذارد. این آگاهی منتهی به افزایش احساس امنیت می‌شود. طبق پژوهش مذکور میزان علم زنان و مردان متأهل از این شرط بیش از افراد طلاق‌گرفته است. متأسفانه آگاهی از این شرط مهم، کمی پس از ازدواج افزایش یافته، و تا پیش از آن چندان نبوده است (شاهینی، ۱۳۹۴، ص ۷۸).

بررسی کدهای مستخرج از پژوهش فوق مبرهن کرد که تأثیرات روان‌شناختی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. تأثیرات مثبت این شرط به شرح زیر است: امنیت روانی زنان، حس تعلق مرد به خانواده، کنترل مردان، تأسیس چهارچوبی برای مردان، اطمینان خاطر زنان، تداوم زندگی، احترام به مقام زن، کاهش طلاق، تحکیم زندگی، وفاداری مردان، افزایش توجه مردان به زندگی، اهرم فشار، ایجاد تعادل و توازن میان قدرت زنان و مردان، ایجاد اعتماد میان زوجین، حس کنترل مرد از سوی زن، افزایش اعتماد به نفس زنان، حفظ شأن زنان، مانعی در برابر خیانت مردان، دلگرمی زنان؛

۲. تأثیرات منفی روان‌شناختی این شرط به شرح زیر است: اختلال در زندگی، اختلال در امنیت روانی زن، گسستن زندگی، سردی روابط.

مطابق یافته‌های پژوهش فوق از نظر ۲۲ درصد زوجین متأهل شرط مذکور موجب افزایش تعلق مرد به زن می‌شود. ۲۲ درصد دیگر معتقدند این شرط روابط خانواده را محکم می‌کند. ۱۸ درصد از زوجین متأهل این شرط را موجب امنیت روانی زن می‌دانند. ۶ درصد بیان داشته‌اند که این شرط موجب وفاداری مرد به خانواده می‌شود. ۶ درصد معتقدند شرط عدم ازدواج مجدد

قدرت زن را افزایش و قدرت مرد را کاهش می‌دهد. ۲ درصد از شرکت‌کنندگان معتقدند این شرط طلاق را کاهش می‌دهد. ۴ درصد عقیده دارند این شرط حس کنترل زن بر مرد را افزایش می‌دهد. ۴ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی گفته‌اند این شرط موجب احترام به مقام زن می‌شود. با وجود این ۸ درصد عقیده دارند این شرط زندگی را مختل می‌کند و ۸ درصد دیگر ابراز داشته‌اند شرط مذکور آرامش روانی زنان را به هم می‌زند. در این نظرسنجی تأثیرات روان‌شناختی شرط عدم ازدواج مجدد در افراد طلاق‌گرفته نیز مطالعه شده است. ۳۳.۳ درصد این افراد معتقدند شرط مذکور امنیت روانی زنان را افزایش می‌دهد. ۱۴.۸ درصد شرط را عاملی برای تحکیم خانواده می‌دانند. ۱۱.۱ درصد شرکت‌کنندگان بر آنند شرط عامل وفاداری مردان به زنان است. ۷.۴ درصد شرط را وسیله‌ای برای کنترل مردان دانسته‌اند. ۷.۴ درصد عقیده دارند شرط موجب توجه بیشتر مردان به زنان می‌شود. ۳.۷ درصد معتقدند شرط اعتماد به نفس زنان را بالا می‌برد. ۳.۷ درصد گفته‌اند شرط احترامی به شخصیت زنان است. با این وجود ۱۱.۱ درصد زوجین طلاق گرفته بیان کرده‌اند شرط مذکور آرامش روانی زنان را مختل می‌کند و ۷.۴ درصد عنوان کرده‌اند شرط مزبور موجب تزلزل و اختلال در خانواده می‌شود (شاهینی، ۱۳۹۴، ص ۸۰). آمار فوق صرفاً در محدوده پژوهش صورت گرفته، پذیرفتنی است و تعمیم آن به سطح کلی جامعه نیاز به شواهد بیشتری دارد.

آگاهی از شرط برای افراد متأهل به‌طور چشمگیری احساس تعلق زن و مرد را افزایش می‌دهد و به تحکیم رابطه می‌انجامد. نیاز به تعلق طبق نظریات مختلف روان‌شناسی مانند تئوری انتخاب از مهم‌ترین خواسته‌های افراد سالم است. افرادی که به‌نحوی احساس تعلق را تجربه می‌کنند، احساس خوشبختی و بهزیستی بیشتری دارند. همچنین این حس باعث کاهش اضطراب، افسردگی، ناامیدی، تنهایی، اضطراب اجتماعی و افکار خودکشی می‌شود. امنیت روانی زن به ایجاد تعادل در خانواده و جامعه می‌انجامد. جمع‌کنندگی از زوجین عنوان کرده‌اند که این شرط عامل آرامش روانی زنان است و از خیانت مردان جلوگیری می‌کند. اکثر زنان از خیانت مردان نگران هستند. مطابق نتایج یک پژوهش (سال ۱۳۹۱) زنان خیانت‌دیده

در روان‌رنجوری و وجدان‌گرایی تفاوت معناداری با زنان عادی نشان داده‌اند (عامری، ترابیان و خدابخش، ۱۳۹۱، ص ۹). با توجه به نتایج پژوهش (سال ۱۳۹۴) شرط مذکور بخش عمده‌ای از نگرانی زنان را درخصوص خیلنت مردان برطرف می‌کند و در برآیندی کلی به سلامت زن و خانواده منتهی می‌شود (شاهینی، ۱۳۹۴، ص ۸۰).

۳. اعتبار شرط عدم ازدواج مجدد از منظر فقه و حقوق

عموم فقها، مشروعیت ازدواج مجدد را پذیرفته‌اند. در کنار ازدواج موقت در فقه شیعه، ازدواج مجدد همسر دائمی در بین سایر مذاهب نیز پذیرفته شده است (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ص ۶۶). ازدواج مجدد در قرآن کریم نیز مطرح شده است. آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء از مهم‌ترین آیات قرآن درباره ازدواج مجدد است. ازدواج مجدد علاوه بر آیات قرآن، در احادیث متعدد هم خواه صریح خواه ضمنی مطرح، و تأیید شده است. افزون‌بر آن در سیره برخی از امامان و صحابه نیز ذکر شده است. ازدواج مجدد در فقه با اجتماع شرایطی صحیح قلمداد شده است. مهم‌ترین شرایط عبارت‌اند از رعایت عدالت بین زنان (شهید ثانی، ۱۴۲۴ق، ص ۴۰۴؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، صص ۶۶-۶۹) و تمکن مالی (گرجی ۱۳۸۴، ص ۱۲۴). البته برخی تحقق ضرورت را نیز شرط کرده‌اند (باجوری، ۱۹۸۶ م، ج ۱، ص ۲۵۲)؛ اما در تعریف مفهوم این شروط و ضمانت‌اجرا و دیگر جزئیات آن از جمله لزوم احراز آن توسط قاضی اختلاف‌نظرهای زیادی میان فقها وجود دارد (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۱۷۲). عدالت شامل سه نوع است: عدالت در عواطف، عدالت در تکالیف، عدالت در رفتار. قرآن کریم اباحه ازدواج مجدد را مشروط ساخته است؛ در نتیجه رعایت عدالت در تکلیف واجب، رعایت عدالت در رفتار مستحب و رعایت عدالت در عواطف غیرلازم و نامقدور است (گرجی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱). افزون‌بر نظر مشهور فقها درباره اجازه مطلق ازدواج مجدد، تئوری‌های دیگری از قبیل نظریه تقیید تعدد و نظریه الغای تعدد هم مطرح شده است (مدنی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۲۵-۴۳۰). مطابق نظریه تقیید، اجازه ازدواج مجدد صرفاً برای اشخاص مضطر نیست؛ لیکن شایسته است افراد در صورت ضرورت از آن استفاده کنند (بوطی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۰۵). طبق تئوری الغای ازدواج مجدد، اسلام برای مقابله با سنت ازدواج بی‌حد و حصر اعراب، روشی ملایم و تدریجی اتخاذ کرده

است (صلاح، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۱۱۲-۱۱۴). بر همین اساس برخی آن را تأسیسی عرفی دانسته‌اند که اسلام آن را امضا کرده است و معتقدند سوءاستفاده از آن ممکن است در عمل تبعات بسیاری را در پی داشته باشد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۹). در قرآن کریم ازدواج مجدد منوط به خوف شده است؛ زیرا در صورتی که خداوند سبحان آن را منوط به علم می‌کرد، مصلحت آن از بین می‌رفت (طباطبائی، ۱۴۲۳ ق، ص ۱۷۷)؛ بنابراین ازدواج مجدد با حکم خداوند تأسیس نشده، و تعداد آن محدود شده است و صرفاً برای برخی مشکلات اجتماعی قابل قبول است (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۳۲۶) و منوط به رعایت عدالت و تمکن مالی شده است (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۱۱۶). از نظر فقها جواز ازدواج مجدد مطلق نیست و در برخی موارد مانند ازدواج همزمان با دو خواهر (شهید ثانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۱۸۰) و دو زن سادات (خوئی، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۱۸) و بین عمه و دختر برادر و همچنین بین خاله و دختر خواهر (شهید ثانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۱۸۱) ازدواج دائم با بیش از چهار زن (محقق حلی، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۹۲) و حتی ازدواج موقت (شهید ثانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۲۰۶) ممنوع و حرام اعلام شده است.

در خصوص درج شرط عدم ازدواج مجدد در اسناد نکاح در فقه، نظریات مختلفی آمده است که به شرح زیر است: الف - چنین شرطی فاسد و مفسد عقد است؛ ب - شرط مزبور فاسد است، ولی مفسد عقد نیست؛ ج - شرط مزبور صحیح است، ولی ازدواج مجدد زوج را باطل نمی‌کند؛ د - شرط مزبور صحیح است و ازدواج دوم باطل است. برخی از فقها مانند آیت‌الله حکیم شرط را صحیح دانسته (خوئی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۳۰۵) و به احادیثی استناد کرده‌اند (برای مطالعه این احادیث نک حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۳۰). مطابق برخی از احادیث در صورتی که مقرر شود تخلف از شرط موجب التزام به امر مقدور مانند پرداخت وجه التزام است، شرط صحیح است و متخلف از شرط باید وجه را بپردازد (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۲۹۰). در فقه امامیه جمع کثیری از فقها شرط مذکور را باطل می‌دانند (حاجی‌علی، ۱۳۹۱، ص ۲). شیخ طوسی (۱۳۸۷ ق، ج ۴، ص ۳۰۳)، محقق حلی (۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۲۷۳)، علامه حلی (۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۱۶۴)، شهید اول (۱۳۷۸ ق، ج ۱، ص ۱۷۱)، شهید ثانی (۱۴۲۴ ق، ج ۵، ص ۳۶۲) و صاحب جواهر (۱۴۳۰ ق، ج ۷، ص ۴۲۴) از جمله فقهای هستند که شرط مزبور

رابطل می‌دانند و براین مدعا از احادیث شواهدی آورده‌اند. به اعتقاد برخی از فقها شواهد فوق به‌طور مطلق بطلان شرط را اثبات نمی‌کند و صرفاً در مواردی خاص این بطلان فهمیده می‌شود (نک: حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۲۹۰). به عقیده علامه طباطبائی روایات مذکور، ناظر به مواردی است که با شرط مذکور، حق ازدواج از زوج سلب می‌شود (طباطبائی، ۱۴۲۳ق، ص ۶۰). طبق نظر میرزای نائینی نیز عدم اعتبار شرط در احادیث علت دیگری دارد (خوانساری، ۱۳۸۵ق ج ۲، ص ۱۰۵). برای نمونه در برخی از احادیث، شروط مذکور به‌صورت شرط نتیجه طلاق آمده، و این در حالی است برای تحقق طلاق، شرایط و تشریفات خاص لازم است. طبق دیدگاه برخی از فقها مانند شیخ انصاری ملتزم شدن به ترک امری مباح، هیچ منافاتی با مباح بودن آن ندارد؛ از این رو شرط مذکور صحیح است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۴). به عقیده امام خمینی (ره) طبق احادیث آنچه افراد بدان ملتزم می‌شوند، نباید با حکم الهی مخالف باشد و این قاعده تحلیل حرام و تحریم حلال و همین‌طور مخالفت با احکام وضعیه مانند وکالت طلاق به زوجه را دربرمی‌گیرد. ایشان معتقد است در روایتی که از نفس اشتراط نهی شده، ارشاد به نهی از فساد شده است و در مسئله مورد نظر، به‌جز احتمال ضعیف در مرسله ابن‌زهره، نهی مذکور وجود ندارد (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۰۵).

بعضی از فقهای اهل تسنن معتقدند عقد نکاح مقتضی شرط نیست و اصل در شروط و عقود فساد آن است، در نتیجه شرط مذکور باطل است (ابن‌قیم جوزیه، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۳۲؛ شوکانی، ۱۴۳۵ق، ص ۳۴). ثوری، شافعی، زهری در کنار مالک، لیث و ابن‌منذر و همین‌طور هشام بن عروه و قتاده از دیگر فقهای هستند که معتقدند شرط مذکور باطل است. با وجود این، به عقیده ابن‌قدامه شرط صحیح است. ایشان در این زمینه به احادیثی استناد کرده است (ابن‌قدامه، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۱۳). به عقیده ابوحنیفه و شافعی شرط عقد ازدواج را باطل نمی‌کند؛ ولی مهریه باطل است و ضروری است مهرالمثل پرداخت شود. مالکی‌ها شرط مذکور را مکروه می‌دانند؛ ولی عمل به آن را مستحب می‌شمارند. حنبلی‌ها نیز شرط مزبور را صحیح، و ضمانت‌اجرای آن را حق فسخ می‌دانند (ابن‌قدامه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۴۲).

از نظر حقوقی و با لحاظ مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی ایران، شرط مزبور نامقدور و غیرمعقول

و نامعلوم نیست؛ از این رو صحیح است (صفائی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶)؛ اما از دو جهت بدان اشکال وارد شده است: نخست احتمال نامشروع بودن شرط؛ دوم خلاف ذات عقد بودن به علت تنوع طلب بودن طبیعت مردان (محب‌الرحمان، صابری، وقبولی درافشان، ۱۳۹۳، ص ۶۵). در وهله نخست نامشروع بودن شرط به دلیل تحریم حلال است؛ زیرا طبق قرآن کریم مرد می‌تواند چهار همسر دائمی را به نکاح خود درآورد. به نظر می‌رسد چنانچه زوجه شرط کند که مرد حق اختیار همسر مجدد را ندارد، شرط نامشروع است؛ لیکن منظور اصلی از شرط مزبور صرفاً ترک فعل حقوقی در مدت معین است. در خصوص اشکال دوم به نظر می‌رسد صرف نظر از اختلاف نظر فراوان درباره مقتضای ذات عقد نکاح، بسیار بعید است چند همسری از مقتضای ذات نکاح باشد و در بهترین شرایط مورد از مصادیق مقتضای اطلاق عقد است و شرط خلاف در آن جایز است.

۴. ضمانت اجرای حقوقی تخلف از شرط عدم ازدواج مجدد

تخلف از شرط عدم ازدواج مجدد ضمانت اجرای حقوقی را به دنبال دارد که ممکن است قراردادی یا قانونی باشد. در ضمانت اجرای قراردادی طرفین قرارداد خود مجازات فرد خاطی را مشخص می‌کنند. ضمانت اجرای قانونی در صورتی مجری است که عقد فاقد ضمانت قراردادی لازم الاجرا باشد. به منظور تبیین بهتر ضمانت اجرا ابتدا حالات مختلف شرط مذکور بیان، و در انتها نظریه مختار بیان می‌شود. شرط عدم ازدواج مجدد به دو صورت محقق می‌شود: در صورت نخست، شرط یک‌سویه است و از سوی زوجه بر زوج تحمیل می‌شود و حالت ایجابی دارد؛ در حالت دوم، شرط دوسویه است و زوج نیز برای عدم استفاده از حق ازدواج مجدد خود، اموری را بازوجه شرط می‌کند.

۴-۱. یک‌سویه بودن شرط عدم ازدواج مجدد

گاهی اوقات زوجه مستقیم با زوج شرط می‌کند که وی ازدواج مجدد نکند. این حالت دو قسم دارد: گاهی محتوای شرط سلب، حق ازدواج مجدد است؛ گاهی زوجه صرفاً حق طلاق خواهد داشت.

۴-۱-۱. اشتراط در قالب سلب حق ازدواج مجدد

سلب حق ازدواج مجدد زوج از سوی زوجه به سه صورت منع کلی حق ازدواج مجدد، منع حق استفاده از ازدواج مجدد تا آخر عمر و منع حق استفاده از ازدواج مجدد در دوران زندگی

مشترک مطرح می‌شود. در خصوص حالت نخست چنین شرطی با توجه به تحریم حلال، باطل است؛ اما در اینکه بطلان شرط به اصل عقد تسری می‌یابد یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۳۴). اگر ازدواج مجدد از مقتضای ذات عقد باشد، طبق ماده ۲۳۳ قانون مدنی اصل عقد هم باطل است؛ در غیراین صورت فقط شرط باطل است. در این حالت ازدواج مجدد زوج صحیح است و هیچ ضمانت‌اجرایی ندارد. حتی می‌توان ازدواج نخست را با ابزار طلاق و نه فسخ از هم گسیخت؛ زیرا در طلاق امکان رجوع وجود دارد، لیکن فسخ و انفساخ چنین خاصیتی ندارد. شرط منع حق استفاده از ازدواج مجدد تا آخر عمر نیز طبق ماده ۹۵۹ قانون مدنی باطل است و تخلف از آن ضمانت‌اجرایی به دنبال ندارد (صفائی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۲)؛ اما شرط منع حق استفاده از ازدواج مجدد در دوران زندگی مشترک، سلب جزئی حق بوده، و پذیرفته شده است. این شرط در قالب ترک فعل حقوقی متصور است و شرط صحیحی است. آیا در صورت تخلف دادگاه می‌تواند ازدواج مجدد را باطل اعلام کند؟ به نظر می‌رسد دادگاه چنین حقی ندارد. در حقوق موضوعه ایران ضمانت واضحی در خصوص تخلف از شرط ترک فعل حقوقی وجود ندارد (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۴۵). در اینجا دو راه حل به نظر می‌رسد: نخست، ایجاد خیار تخلف شرط نسبت به عقد اول؛ دوم، بطلان یا عدم نفوذ عقد دوم. با وجود این، نفوذ و صحت مبتنی بر اجتماع شرایط خاص خود است و اگر عقدی باطل است باید ثابت شود یکی از ارکان اساسی صحت آن تباه شده است؛ در غیر این صورت اجتماع نقیضین می‌شود (سعادت مصطفوی، ۱۳۸۳، ص ۲۱). به نظر می‌رسد ایراد مزبور زمانی وارد است که طرفین حق استیفای زوج از ازدواج مجدد را سلب کرده باشند؛ در غیر این صورت چنانچه طرفین حق تمتع زوج از ازدواج مجدد را سلب کرده باشند، ایراد اجتماع نقیضین رفع می‌شود؛ زیرا یکی از ارکان صحت عقد، اهلیت طرفین است که در بحث مورد نظر، زوج اهلیت تمتع ازدواج مجدد را ندارد و به همین دلیل ازدواج مجدد وی باطل است. ضمانت‌اجرای تخلف ممکن است ایجاد حق فسخ نسبت به نکاح اول باشد؛ با وجود این، در فقه امامیه تخلف از شروط موجب خیار نیست. الزام زوج به طلاق همسر دوم سومین ضمانت‌اجرا است. این

تئوری نیز مناسب نیست؛ زیرا طلاق در فقه و قانون موجبات مخصوص به خود را دارد (سیدعلوی، ۱۳۸۲، ص ۶۱). برخی معتقدند زوجه تنها می‌تواند مطالبه خسارت کند. ضمانت اجرای یادشده نیز مطلوب نیست؛ زیرا یافتن خسارتی مسلم، دشوار به نظر می‌رسد (اصغری آقمشهدی، ۱۳۸۲، ص ۳۴).

۲-۱-۴. اشتراط در قالب وکالت در طلاق در صورت تخلف زوج

به موجب این دسته از شروط، زوجه حق ازدواج مجدد زوج را سلب نمی‌کند؛ لیکن در صورت ازدواج مجدد زوج برای خود حق وکالت در طلاق را قائل می‌شود. این شرط که شرط صحیحی محسوب می‌شود، خود به سه صورت مطرح می‌شود: مطلقه شدن زوجه در صورت ازدواج مجدد، وکیل شدن زوجه برای طلاق (شرط نتیجه) و وکیل کردن زوجه جهت طلاق (شرط فعل) (شاهینی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲). برخی معتقدند شرط مزبور به صورت ضمنی حق ازدواج مجدد زوج را سلب می‌کند و چنین شرطی نیز باطل است. نظر به اینکه طلاق سبب خاص و صیغه خاص دارد و ایقاعی تشریفاتی است؛ از این رو، شرط نمی‌تواند به آن مشروعیت ببخشد و به طور کلی شروط مشروع نیستند. در نتیجه شرط نخست درست نیست و ضمانت‌اجرائی نیز در پی نخواهد داشت؛ اما شرط دوم صحیح است و زوجه می‌تواند در صورت تخلف زوج، خود را بالحفاظ جمیع شروط مطلقه سازد. در فقه اسلامی توکیل زن در طلاق پذیرفته شده است؛ لیکن تفویض طلاق به زوجه در فقه امامیه (قول مشهور) برخلاف فقه عامه مورد قبول و معتبر نیست. فقهای امامیه آن را با اصول حقوق اسلامی و برخی احادیث متعارض می‌دانند. در برخی از قوانین احوال شخصیه کشورهای اسلامی مانند سوریه و عراق و مراکش تفویض حق طلاق به زوجه به عنوان امری مستقل و جدا از توکیل تجویز شده است. در حالت سوم که شرط فعل است، در صورت تخلف زوج، وی باید در قالب عملی حقوقی به زوجه وکالت در طلاق را دهد. در صورتی که زوج از این کار خودداری کند، طبق قاعده «الحاکم ولی الممتنع»، حاکم یا نماینده وی چنین وکالتی را به زوجه می‌دهد تا خود را مطلقه سازد. برخی در فرضی که زوجه بر اثر ازدواج مجدد زوج، متحمل ضرر شود، با استناد به احادیث، برای او یا خانواده‌اش، حق

درخواست طلاق را لحاظ کرده‌اند (بالیسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۴۶).

۲-۴. دوسویه بودن شرط عدم ازدواج مجدد

ممکن است شرط عدم ازدواج مجدد زوج خود منوط به شروطی شده باشد که زوجه متعهد شده بدان وفادار باشد. در حقیقت همانطور که زوج می‌پذیرد که ازدواج مجدد نکند، بر زوجه هم متقابلاً شرط می‌کند که اموری را در زندگی بدان پایبند باشد وگرنه وی مبادرت به ازدواج مجدد خواهد کرد. برخی از این شروط ناظر به گذشته و برخی ناظر به آینده است. شرطی که ناظر به گذشته باشد خود به سه صورت متصور است: در حالت نخست، زوج واجد یکی از شرایط فسخ نکاح به دلیل عیب زوج است. چنانچه زوج شرط کرده باشد که عدم ازدواج مجدد وی منوط به آن است که زوجه عیوب نکاح را نداشته باشد، شرط صحیحی است و در صورت وجود عیوب زوجه، زوج نه تنها می‌تواند ازدواج مجدد کند، بلکه به موجب قانون می‌تواند ازدواج نخست خود را نیز فسخ کند و در این حالت هیچ‌گونه ضمانت‌اجرائی علیه او وجود ندارد. به عقیده برخی از محققان با توجه به اصل لزوم، و نظر به پیشرفت علم پزشکی و امکان برطرف شدن برخی از عیوب مزبور، وجهی برای فسخ نکاح در آن موارد وجود نخواهد داشت و اصلاح قانون در این خصوص ضروری است (نیک‌اندام، ۱۳۹۲، ص ۲۴)؛ در حالت دوم، زوجه مرتکب تدلیس می‌شود و ازدواج مجدد زوج هیچ‌گونه ضمانت‌اجرائی ندارد؛ در حالت سوم، زوج و زوجه هم‌کفو نیستند. زوج شرط می‌کند در صورتی که زوجه هم‌کفو وی نباشد، حق دارد ازدواج مجدد کند. به نظر می‌رسد چنین شرطی صحیح است؛ لیکن در صورتی که زوجه دچار تدلیس نشده باشد، زوج اقدام بر ضرر خود کند و از این منظر حقی ندارد و زوجه می‌تواند با استناد به قاعده اقدام مانع ازدواج مجدد وی شود (شاهینی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳).

شروط ناظر به آینده نیز خود سه حالت دارد: در حالت نخست، زوجه از شرطی تخلف کرده است. اگر زوج شرط کند که عدم ازدواج مجدد وی منوط به این است که زوجه شرط صحیحی را رعایت کند، این شرط صحیح است و در صورت تخلف زوجه، زوج می‌تواند ازدواج مجدد کند. در اینجا بار اثبات به عهده زوج است؛ در حالت دوم زوجه دچار یکی از عیوب نکاح

است. در صورتی که شرط شود عدم ازدواج مجدد زوج منوط بر این است که زوجه پس از ازدواج دچار یکی از عیوب نکاح نشود، در صحت این شرط تردید شده است. صحت شرط مزبور به این بر می‌گردد که مقرر ماده ۱۱۲۴ قانون مدنی تکمیلی باشد و در صورتی که آمرانه باشد، صرف وقوع عیب پس از نکاح نمی‌تواند عاملی برای تخلف از شرط و ازدواج مجدد باشد، بنابراین اگر چنین شرطی باطل باشد، ضمانت‌اجرایی نیز نخواهد داشت؛ در حالت سوم، زوج و زوجه، فاقد صفت هم‌کفو بودن هستند. اگر زوج شرط کند عدم ازدواج مجدد وی منوط بر این است که زوجه تا آخر زندگی مشترک هم‌کفو او باشد، شرط صحیحی است (نک. شهید ثانی، ۱۴۲۴ق، ص ۳۱۲). به نظر می‌رسد زوج می‌تواند در صورت اثبات هم‌کفو نبودن زوجه، ازدواج مجدد کند.

با توجه به مراتب فوق، تخلف از شرط عدم ازدواج مجدد از سوی زوج در برخی موارد ضمانت‌اجرای حقوقی خواه قراردادی و خواه قانونی را به دنبال خواهد داشت. نخستین ضمانت‌اجرای قراردادی اعطای وکالت حق طلاق به زوجه در فرم‌های چاپی اسناد نکاح است. در کنار وکالت طلاق، تعیین وجه التزام ضمانت‌اجرای قراردادی دیگری محسوب می‌شود. در این ضمانت‌اجرا زوجه با همسر دوم زندگی می‌کند؛ ولی در عوض مبلغی را جهت خسارت از زوج طلب می‌کند. بطلان قرارداد، سومین ضمانت‌اجرای قراردادی است. این شرط حاوی فوایدی است؛ لیکن با توجه به عدم پذیرش بطلان قراردادی در حقوق ایران و نادیده گرفتن حق زوجه دوم مناسب به نظر نمی‌رسد. چنانچه سند نکاح فاقد ضمانت‌اجرای قراردادی صحیح و لازم‌الاجرا باشد، دادگاه می‌تواند از ضمانت‌های قانونی بهره‌مند شود. فسخ نکاح نخست به دلیل خیار تخلف از شرط، الزام زوج به طلاق نکاح دوم، الزام زوج به پرداخت خسارت مادی و معنوی به زوجه، بطلان مطلق نکاح دوم، غیرقابل استناد بودن نکاح دوم در مقابل زوجه، بطلان نسبی و غیرنافذ بودن ازدواج دوم از جمله ضمانت‌اجراهی قابل تصور است. به نظر می‌رسد نظر به اهمیت و آثار شرط مزبور ضروری است در صورت تخلف از شرط مزبور ضمانت‌اجرای مطلوبی در نظر گرفته شود. برای رسیدن به این مهم باید سه حق به صورت مستقل در نظر گرفته شود: حق زوجه نخست،

حق زوج، حق زوجه دوم. حق زوجه نخست عبارت است از بهره‌مندی از زندگی آرام در کنار زوج که با وجود شرط عدم ازدواج مجدد زوج به صورت بالقوه بدان نائل شده است. حق زوج نیز همین است؛ لیکن در صورت سوءاستفاده زوجه از شرط مزبور، حق ازدواج مجدد نیز به وی داده شده است. با تحقق نکاح دوم حقوق مشابهی برای زوجه دوم مطرح می‌شود. چنانچه زوجه نخست از شرط عدم ازدواج مجدد زوج، سوءاستفاده کند، طبق اصل ۴۰ قانون اساسی حق وی سلب می‌شود و نکاح دوم زوج به‌رغم وجود شرط مزبور، صحیح است و هیچ‌گونه ضمانت‌اجرائی ندارد؛ زیرا زوجه اقدام علیه خود کرده است؛ لیکن در صورتی که زوج بدون دلیل موجه و صرفاً برای التذاذ بیشتر از حق ازدواج مجدد خود سوءاستفاده کند، هرچند در عقد نکاح نخست بر شرط عدم ازدواج مجدد زوج توافق نشده باشد، به دلیل طبیعت عقد نکاح و وجود ضمنی شرط مزبور، با ضمانت‌اجرای قانونی مواجه خواهد شد. به منظور رعایت حقوق هر سه نفر با لحاظ کارایی حداکثری، ضمانت‌اجرای قانونی در اینجا مختلط خواهد بود؛ از این رو نکاح دوم نسبت به زوجه نخست غیرنافذ و غیرقابل استناد، نسبت به زوج باطل نسبی و نسبت به زوجه دوم صحیح خواهد بود. در این وضعیت چنانچه زوجه نخست نکاح دوم را تنفیذ کند مشکلی پیش نخواهد آمد؛ لیکن در صورت رد نکاح دوم، موضوع اصلی نکاح دوم یعنی صرفاً «خود پیوند زناشویی» باطل می‌شود؛ لیکن دیگر توافقات مندرج در چنین قراردادی نسبت به زوجه دوم صحیح و قابل مطالبه خواهد بود؛ زیرا فرض بر این است که نکاح دوم باطل نسبی است و نسبت به زوج باطل و نسبت به زوجه دوم صحیح است. افزون بر آن، زوجه دوم می‌تواند خسارات مادی و معنوی خود را طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی در خصوص «بطلان جزئی» قراردادی که با زوج داشته است، از وی مطالبه کند؛ زیرا نکاح دوم صرفاً قابلیت اجرایی در خصوص اصل پیوند زناشویی (محرم‌شدن دو طرف) را ندارد؛ لیکن در دیگر موارد، تمام ویژگی‌های نکاح صحیح را دارد. در این حالت زوج حق استناد به بطلان نکاح دوم را ندارد و مشمول قاعده اقدام می‌شود.

۵. ازدواج مجدد و ضمانت‌اجرای آن در حقوق تطبیقی

ازدواج مجدد در حقوق دیگر کشورهای اسلامی نیز مورد توجه واقع شده است. در لیبی، ازدواج

مجدد به شرط داشتن دلایل محکم، اعلام رضایت زوجه و صدور حکم دادگاه مجاز است و ضمانت اجرای تخلف بطلان ازدواج دوم است (عبدالسلام، ۱۹۹۸م، ص ۳۷۸). در یمن، مطابق ماده ۱۲ قانون احوال شخصیه برای مرد ازدواج مجدد تا چهار زن با تحقق عدل، قدرت بر اداره و علم زن دوم جایز است (عبدالسلام، ۱۹۹۸م، ص ۵). در عراق، طبق ماده ۳ قانون احوال شخصیه این کشور ازدواج با بیش از یک زن فقط با اجازه قاضی و کفایت مالی و مصلحت مشروع جایز است و ضمانت کیفری آن حبس از یک سال یا مجازات نقدی بیش از صد دینار یا هر دو مجازات است (برزنجی، ۱۹۸۰م، ص ۱۸۹). تونس ازدواج مجدد را جرم می‌داند. مطابق ماده ۱۸ قانون احوال شخصیه این کشور، مجازات کیفری چند همسری، یک سال حبس و پرداخت جریمه تا ۲۴۰/۰۰۰ فرانک یا یکی از دو مجازات است. در مصر، محدودیتی برای ازدواج مجدد وجود ندارد (شلیبی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۴۴). چهار ماده از فصل ششم منشور حقوق خانواده مصر مصوب کمیته «زنان سازمان تبلیغ و امداد اسلامی» به ازدواج مجدد اختصاص دارد. طبق ماده ۷۹ ازدواج مجدد فقط در چارچوب شرع و برای تأمین منافع آن و اجتماع و با لحاظ کردن توانمندی مالی همسر و رعایت عدالت امکان پذیر است. براساس ماده ۸۱ زن می‌تواند برای همسر خود این شرط را بگذارد که حق ازدواج مجدد را ندارد و ضمانت آن را نیز خود تعیین کند. طبق ماده ۸۲ اگر مرد بدون توجه به ضوابط ازدواج مجدد، همسر دیگری برگزیند و ضرری متوجه همسر اول خود کند، زن می‌تواند تقاضای طلاق کند. در عمان به موجب ماده ۳۷ قانون احوال شخصیه به شرط عدالت میان زوجین تصریح شده است. در سوریه، مطابق ماده ۱۷ قانون احوال شخصیه، قاضی می‌تواند به کسی که متأهل است، در صورت نداشتن مجوز شرعی و عدم قدرت بر نفقه، اجازه ازدواج مجدد ندهد. در مراکش، به دلالت ماده ۳۱ قانون احوال شخصیه زوجه می‌تواند شرط کند مرد ازدواج مجدد نکند و در صورت تخلف از دادگاه تقاضای فسخ کند. همچنین طبق ماده ۳۰، مرد باید به هر دو زن بگوید زوجه دیگری دارد. زوجه می‌تواند شرط کند زوج ازدواج مجدد نکند و در صورت تخلف، تصمیم جهت ادامه زندگی یا قطع آن به دست زوجه است (مجموعه الوثائق، ۲۰۰۱م، ص ۱۷۲).

یافته‌های پژوهش

ازدواج مجدد از قدیم مرسوم بوده؛ اما در اسلام اصل بر تک‌همسری است و عرف فعلی جامعه ایرانی نیز چندهمسری را بر نمی‌تابد و ازدواج مجدد صرفاً پس از فوت یا طلاق همسر اول مطلوب ارزیابی شده است. سیر تحولات تاریخی و اعتبارشناسی شرط عدم ازدواج مجدد حاکی از آن است که فقهای متقدم آن را غیرمعتبر دانسته‌اند؛ لیکن مؤخران با اجتماع شرایطی در صورت اشتراط صریح شرط در ضمن عقد، آن را معتبر شمرده‌اند. در عصر فعلی نیز با توجه به ویژگی‌های جامعه ایرانی و طبیعت عقد نکاح که میثاقی غلیظ است، حتی در صورت عدم ذکر در عقد، شرط مزبور به صورت ضمنی در تمام عقود نکاح وجود دارد و معتبر است؛ لیکن در صورت سوءاستفاده زوجه، زوج حق ازدواج مجدد را به رغم وجود شرط خواهد داشت.

زوجه از نظر روان‌شناسی تمایل دارد در کنار زوج تا آخر عمر زندگی آرامی را سپری کند و تمایلی به حضور زوجه دوم ندارد. حضور زن دوم و ایجاد دو دستگی در خانواده، موجب آسیب روانی می‌شود. افزون بر آن، پایبندی زوج به خانواده آثار مثبت روان‌شناسی و فرهنگی و اقتصادی برای وی و اعضای خانواده و جامعه دارد. به منظور رسیدن به مزیت‌های فوق، زوجه از شرط عدم ازدواج مجدد زوج بهره می‌گیرد؛ از این رو شایسته است در جلسات پیش از ازدواج، آموزش‌های لازم درباره شرط مذکور صورت گیرد.

به رغم اهمیت شرط پیش گفته، متأسفانه ضمانت اجرای صریحی برای نقض آن در مقررات قانونی پیش‌بینی نشده است. با عنایت به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود ماده قانونی زیر در مجلس شورای اسلامی تصویب، و به قانون حمایت خانواده الحاق شود: «چنانچه زوجه در قالب صحیح شرط کند که زوج در طول زندگی مشترک ازدواج مجدد نکند و زوج از شرط مذکور تخلف کند، در صورت فقدان ضمانت اجرای صحیح قراردادی در سند نکاح یا خارج آن، عقد دوم نسبت به زوجه اول، غیر نافذ و غیر قابل استناد است».

منابع

- ابراهیم، محمدحسن جمل (۱۴۱۷ق). *تعددالزوجات فی الإسلام*. بیروت: دارالاعتصام.
ابن قدامه، عبد الله بن احمد (۱۴۰۳ق). *المعنی*. مصر: مطبعة الامام.

- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۲۳ق). *اعلام الموقعین*. بیروت: دار الجیل.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۹۰). *حقوق مدنی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین (۱۳۸۲). «جبران خسارت معنوی در حقوق ایران». *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، ۳ (۹، ۱۰)، ص ۳۲-۵۱.
- انصاری، علی (۱۳۹۲). *حقوق مدنی*. تهران: دانشگاه خوارزمی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *المکاسب*. بیروت: مؤسسه نعمان.
- باجوری، جمال محمدفقی رسول (۱۹۸۶ م). *المرأة فی الفکر الاسلامی*. بغداد: دارالعلم.
- بالیسانی، احمد محمدطه (۱۹۸۵ م). *نظرة إلى الرجل والمرأة فی الإسلام*. بغداد: دارالعلم.
- برزنجی، سولاف (۱۹۸۰ م). *قانون الأحوال شخصية وتعديلاتها*. بغداد: مكتبة القانونية.
- بوطی، محمدسعیدرمضان (۱۴۱۷ق). *المرأة بین طغیان النظام العربی ولطائف التشريع الریانی*. بیروت: دارالفکر المعاصر.
- حاجی علی، فریبا (۱۳۹۱). «بررسی فقهی - حقوقی شرط ضمن عقد نکاح مبنی بر عدم ازدواج مجدد زوج». *مجله فقه و حقوق خانواده*، ۱۷ (۵۶)، ص ۲-۲۰.
- حراعلی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعة*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۸). *تحریر الوسیلة*. نجف: مطبعة الآداب فی النجف الأشرف.
- خوانساری، موسی (۱۳۸۵ق). *منیه الطالب (تقریرات میرزای نائینی)*، جلد ۲، نجف: مطبعة المرتضویه.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). *کتاب النکاح*. قم: دارالهادی.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین*. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۰). *تاریخ تمدن (احمد آرام و همکاران، مترجمان)*. تهران: انتشارات سازمان آموزش و پرورش.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ق). *فقه القرآن*. قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
- رجبی، غلامرضا؛ خشنود، قاسم؛ سودانی، منصور؛ خجسته مهر، رضا (۱۳۹۹). *اثر بخشی زوج درمانی مبتنی بر بازسازی عاطفی بر افزایش اعتماد و رضایت زناشویی در زوجین ازدواج مجدد*. *مجله روانپزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، ۲۶ (۱)، ص ۱۲۹-۱۱۴.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ وردی نیا، اکبر علی؛ بهرامی، سیاوش (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق». *پژوهش زنان*، ۳ (۱۹)، ص ۱۰۹-۱۴۰.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸ق). *الفقه الاسلامی وادلته*. دمشق: دارالفکر.
- زرین نیا، زین العابدین (۱۳۸۴). *مبانی و آثار شروط ضمن عقد ازدواج موقت*. تهران: دانشگاه تهران.

- سعادت مصطفوی، سیدمصطفی (۱۳۸۳). «ضمانت اجرای تخلف از شرط ترک فعل حقوقی». نشریه دین و ارتباطات، ۱۱ (۲۴)، ص ۲۰-۴۸.
- سیدعلوی، سیدحسین (۱۳۸۲). «شرط عدم ازدواج مجدد». فصلنامه مطالعات اسلامی، ۱۳ (۴۰)، ص ۲۲-۳۸.
- شاکری گلپایگانی، طوبی؛ مؤمن، رقیه سادات (۱۴۰۱). «ازدواج مجدد زوج در فرآیند قانون‌گذاری ایران با رویکرد به فقه حکومتی و سیاست شرعی». مجله فقه و حقوق خانواده، ۲۷ (۷۶)، ص ۵-۳۱.
- شاهینی، علی (۱۳۹۴). تحلیل شرط عدم ازدواج مجدد. تهران: دانشگاه خوارزمی.
- شلیبی، محمدمصطفی (۱۳۹۷ق). أحكام الأسرة فی الإسلام. بیروت: دار النهضة العربية.
- شهیداول، محمد بن مکی (۱۳۷۸ق). اللمعة الدمشقیة. قم: مرکز بحوث الحج و العمرة مطابقه حکمت.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۲۴ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۰). حقوق ملانی. تهران: سمت.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۳۵ق). نیل الاوطار. مصر: الحلبي.
- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۴۳۰ق). جواهر الکلام. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- صفائی، حسین (۱۳۹۰). حقوق ملانی ۱. تهران: نشر میزان.
- صفائی، حسین (۱۳۸۹). قواعد عمومی قراردادها. تهران: نشر میزان.
- صلاح، عبدالغنی محمد (۱۴۱۸ق). وسائل الإسلام فی المحافظة علی الحیاة الزوجیة. قاهره: مکتبه الدار العربیة للکتاب.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۲۳ق). ازدواج مجدد و مقام زن در اسلام. قم: انتشارات آزادی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط. قم: المکتبه المرتضویه.
- عامری، فریده؛ ترابیان، لیلا؛ خدابخش، روشنگر (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیت و سبک دل بستگی همسران بی‌وفا، خیانت دیده و عادی». مطالعات روان‌شناختی، ۸ (۳)، ص ۹-۲۶.
- عبدالسلام، محمد الشریف العالم (۱۹۹۸م). الزواج والطلاق فی لیبی. طرابلس: جامعة قار یونس.
- عبدالمحسن، علی ابو عبدالله (۱۴۱۸ق). تعداد الزوجات بین العلم و الدین. بیروت: دار الصفوة.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعه. قم: مکتبه نینوا الحدیثه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). آیات الأحکام. قم: مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- قربان شیرودی، شهره. ، و پورصدیقی، زینب (۱۳۹۰). مقایسه میزان سلامت روان در میان همسران شاهدهی که ازدواج مجدد کردند و همسران شاهدهی که ازدواج مجدد نکردند و تعیین اثربخشی درمان رفتاری - شناختی بر مؤلفه‌های سلامت روان آن‌ها. روان‌شناسی تربیتی، ۲ (۱)، ص ۳۷-۵۱.
- کریستن‌سن، آرتورامانوئل (۱۳۷۲). ایران در زمان ساسانیان (رشید یاسمی، مترجم). تهران: دنیای کتاب.
- گرچی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). حقوق تطبیقی خانواده. تهران: دانشگاه تهران.

- گلی، علی؛ قاسم‌زاده، بهنام؛ فتح‌بقالی، عاطفه؛ رمضان‌مقدم‌واجاری، یاسمن (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی پارک ائل‌گلی تبریز)». فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، ۱۸ (۶۹)، ص ۹۷-۱۳۶.
- مجموعه الوثائق والنصوص القانونية المتعلقة بوضع المرأة بالمغرب (۲۰۰۱م). رباط: المجلة المغربية للإدارة المحلية والتنمية.
- محب‌الرحمان، محمدعلی؛ صابری، حسین؛ قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۳). «تعهد به عدم ازدواج مجدد در روایات و فقه امامیه». مجله فقه و حقوق، ۴۵ (۹۵)، ص ۶۵-۸۶.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق). شرایع الإسلام. قم: دارالاضواء.
- محمد مدنی، محمد (۱۳۷۸). رأی جدید فی تعدد الزوجات. رسالة الاسلام، ۱۰ (۴)، ص ۴۲۵-۴۳۰.
- محمود، عبدالحمید محمد (۱۴۱۱ق). حقوق المرأة بین الاسلام والديانات الاخرى. قاهره: مكتبة مدبولي.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
- نیک‌اندام، شاپور (۱۳۹۲). مسائلی پیرامون ازدواج، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- Adler-Baeder F;HigginbothamB. (2004). Implications of remarriage and stepfamily formation for marriage education. *Family Relations*,53 (5), p448-458.
- Butler, Andrew C. ;Chapman, JasonE. ;Forman, Evan M. ;Beck, Aaron T. (2006). The empirical status ofcognitive-behavioral therapy: Areview of meta-analyses, P. *psychological Medicine Review*, Vole26, Iss 1, p 17-31.
- Compton, Scott N. , March, John S. ; Brent, D. ; Albano, A M. ; WeersingV. ; Robin. Curry, J. (2004). Cognitive-BehavioralPsychotherapy for Anxiety andDepressive Disorders in Children andAdolescents: An Evidence-BasedMedicine Review, *Journal of theAmerican Academy of Child &Adolescent Psychiatry*, Vole 43, Iss 8, p 930-959.
- Craske, MG. Golinelli, D. , Stein, MB. Roy-Byrne, PP. , Bystritsky, A. ,Sherbourne, CD. (2005). Does theaddition of cognitive behavioraltherapy improve panic disordertreatment outcome relative tomedication alone in the primary caresetting? *Psychological MedicineReview*, 35 (11), p 1645-1654.
- Dupuis SB. (2007). Examining remarriage: A look at issues affecting remarried couples and the implications towards therapeutic techniques. *Journal of Divorce & Remarriage*, 48 (1-2), p91-104.
- Faber AJ. (2004). Examining remarried couples through a Bowenian family systems lens. *Journal of Divorce & Remarriage*, 40 (3-4), p۳۳-۱۲۱.

- Fox WE, Shriner M. (2014). Remarried couples in premarital education: Does the content match participant needs? *Journal of Divorce & Remarriage*, 55 (4), p276-299.
- Garneau, C. L. , Higginbotham, B. , & Adler-Baeder, F. (2015). Remarriage beliefs as predictors of marital quality and positive interaction in stepcouples, An actor-partner interdependence model. *Family process*, 54 (4), p 730-745.
- Herbelin, B. , Riquier, F. , Vexo, F. , Thalmann, D. , (2002). Virtual Reality in Cognitive Behavioral Therapy: a Study on Social Anxiety Disorder, International Conference on Virtual Systems and Multimedia (VSMM).
- Herbert, James D. , Rheingold, Alyssa A. , Gaudiano, Brandon A. , Myers, Valerie H. , (2004), Standard versus extended cognitive behavior therapy for social anxiety disorder: *A randomized-controlled trial, Behavioral and Cognitive Psychotherapy*, 32 (02), p 131-147.
- Memani, P. S. (2003). *A comparative study of the marital attitudes of students from divorced, intact and single-parent families* (Doctoral dissertation, University of the Western Cape).
- Pasley K, Garneau C. (2012). *Remarriage and stepfamily life*. In: Walsh F, editor. *Normal Family Processes: Growing Diversity and Complexity*. New York: Guilford Press.
- Pasley K, Koch MG, Ihinger-Tallman M. (1994). Problems in remarriage: An exploratory study of intact and terminated relationships. *Journal of Divorce & Remarriage*, 20 (1-2), p 63-83.
- Stokes SB, Wampler RS (2002). Remarried clients seeking marital therapy as compared to those seeking family therapy: Differences in levels of psychological and marital distress. *Journal of Divorce & Remarriage*, 38 (1-2), p91-107.
- Sweeney, MM (2010). Remarriage and stepfamilies: Strategic sites for family scholarship in the 21st century. *Journal of Marriage and Family*, 72 (3), p667-684.